

بحث حقوقى بيمه

قسمت اول

تعريف عقد بيمه - ماده ۱ قانون بيمه آنرا چنين تعريف ميكند :
« بيمه عقدى است كه بموجب آن يكطرف تعهد ميكند در ازاء پرداخت وجه يا وجوهى از طرف ديگر در صورت وقوع يا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده يا وجه معينى بپردازد. » متعهد را بيمه گر طرف تعهد را بيمه گذار و وجهى را كه بيمه گذار به بيمه گر مى پردازد حق بيمه و آنچه را كه بيمه شده موضوع بيمه مينامند »
با مطالعه اين ماده بخوبى روشن ميشود كه از لحاظ نص تعهد هيچ اشكالى وجود ندارد زيرا :

اولاً دوطرف لازم براى وجود تعهد بنام بيمه گزار و بيمه گر موجود است.
ثانياً رابطه حقوقى كه بموجب آن هر كدام چه حقى بر ذمه دارند برقرار است.
ثالثاً موضوع تعهد فيما بين كه عبارت از چيزى است كه بيمه ميشود نيز معين است.
رابعاً سبب و منشاء لازم براى تعهد كه عبارت از عقد است وجود دارد و در اين مورد صريح ماده ۱۸۳ قانون مدنى كه ميگويد : «عقد عبارت است از اينكه يك يا چند نفر در مقابل يك يا چند نفر ديگر تعهد بر امرى نمايند و مورد قبول آنها باشد. » كاملاً قابل انطباق با تعريف ماده ۱ بيمه است.

قسمت دوم

اثبات عقد بودن بيمه - در اينكه آيا بيمه عقد است يا نه شك و ترديدى بميان آمده و عده از حقوقدانان براى ابهام موضوع و پاره ديگر از جهت تعليق نتيجه امر و احتمالى بودن آن كاملاً به عقد بودن بيمه معتقد نبوده و فقط از نظر اينكه قانون آنرا عقد شناخته تن در داده اند و در پاره از كشورهاي خارج نيز بيمه را جزء قراردادهاي اتفاقي Contrats aléatoires معدود مينمايند.

اينك براى تشریح مطلب و اثبات عقد بودن بيمه ناگزير بايد شرايط چهار گانه عقد (۱ - قصد و رضا ۲ - اهليت ۳ - موضوع ۴ - وجهت و مشروعيت آن) را مورد بررسى قرار دهيم.

اول - قصد و رضا - اصولاً قصد و رضا تنها شرط اساسى هر عقد است زيرا اهليت مربوط بقصد و رضا است و كسى كه اهليت ندارد قصد نيست و رضاي او نيز يا معدوم و يا معلول است و بعكس كسى هم قصد داشت و آنرا صحيحاً انشاء کرده اهليت دارد موضوع و جهت نيز از شرايط تعهد است نه عقد.

بهر صورت دو طرف که قرارداد بیمه را تنظیم میکنند با در نظر گرفتن آنچه که بعداً گفته خواهد شد اشخاصی بتمام معنی واجل شرایط و دارای قصد صحیح میباشند و رضای ایشان نیز بعکس مواد ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون مدنی «که قرینه و اشاره عملی را که مبین قصد و رضا باشد کافی میدانند.» بایستی صریحاً ذکر و برطبق ماده ۲ قانون بیمه برطبق سند کتبی باشد.

در اینجا باید گفت که بیمه‌هائی وجود دارند که قصد و رضا در آنها قابل بحث و انتقاد هستند و از میان همه به دو مورد زیر اشاره میشود.

الف - بیمه کارمندان دولت و کارگران - عمل چنین است که سازمان یا مؤسسه کارمند یا کارگر خود را بیمه کرده و همه ماهه مبلغی از او بعنوان حق بیمه برداشت میکند. ممکن است عده واقعاً بعلت فقر مادی حاضر نباشند مبلغی هر قدر ناچیز ماهیانه از حقوق آنها کسر شود در این صورت:

۱ - آیا میتوان گفت کارگر بیمه گذار قصد داشته و آنرا صحیحاً انشاء نموده است؟

۲ - و یا اینکه مکره و یا لاقط ملزم و مجبور بوده است؟

۳ - و اگر گفته شود که بیمه گذار شخص حقوقی سازمان یا مؤسسه است و کارگر

موضوع بیمه است آیا باید قبول کرد که کارمند و کارگر بیمه شده ناراضی محجور بوده و احتیاج بقیم دارد؟

۴ - و بالاخره باید دید که عقد بیمه در این صورت باطل قابل نفوذ قابل فسخ

و یا صحیح است؟

ب - بیمه طلبکار نسبت بمال مورد وثیقه - ماده ۷ بیمه میگوید «طلبکار میتواند

مالی را که در نزد او مورد وثیقه یا رهن است بیمه دهد...»

در این ماده بهیچ وجه ذکری از رضا یا عدم رضای مدیون و مرتهن نشده و ناچار

عین سؤالات چهار گانه بند الف بمیان میآید باضافه.

در این مورد با آنکه ماده قانون معلوم نداشته مخارج بیمه بعهده کدام طرف است

معذالک از آخر ماده که میگوید «در صورت بروز حادثه بیمه گذار تا میزان آنچه که از تاریخ

وقوع حادثه طلبکار است برداشت و بقیه را بصاحب مال میدهد» میتوان استنباط کرد که

طلبکار یعنی بیمه گذار همیشه طلب خود را وصول میکند بدون اینکه مخارج بیمه از آن

کسر شود و بانک رهنی نیز عملاً چنین میکند.

از این رو مدیون میتواند ادعا کند که خود با داشتن اهلیت کامل (زیرا عقد رهن

یا بیع شرط را جاری کرده و مدیون است) میتواند استملک خود را بیمه کند و احتیاجی بوجود

طلبکار نداشته است و همچنین باید در نظر گرفت که طلبکار همیشه ملکی را کمتر از قیمت

واقعی تخمین میکند و پولی را که میدهد هیچوقت بیش از ثلث قیمت معین شده نخواهد بود.

و بالاخره چون در این معاملات عادتاً ملک غیر منقول و وثیقه قرار میگیرد در صورت بروز

حادثه باز عین زمین باقی است میتواند طلبکار را تاسین نماید بنابراین دلیلی نیست که طلبکار

بحث حقوقی بیمه

این معامله بیمه را بدون رضای بدهکار انجام داده و علاوه بر مبلغ مخارج بیمه تازه چیزی هم بعنوان مخارج و کارکرد خودش بر آن افزوده و از بدهکار بگیرد پس باید گفت که در این مورد قصد و رضا معلول یا معدوم است پس بیمه نمیتواند عقد باشد. جواب دو بند (الف و ب) بدو قسمت میشود آنچه که مربوط به بطلان و عدم نفوذ یا صحت آنها است چون محتاج به مطالعه ماهیت و خصوصیت عقد بیمه و دخول در بحث سایر مباحث یاد شده است در قسمت چهارم این کتاب خواهد آمد لیکن آنچه که برای اثبات عقد بیمه است باید گفت: اعم از اینکه کارگر و بدهکار را بیمه گذار اصلی یا بیمه شده فرض کنیم و اعم از اینکه تعهد بیمه روسای سازمان و مؤسسه و یا طلبکار صحیح یا باطل باشد هیچگونه خللی در قبول اینکه بیمه عقد است وارد نمیشود زیرا تعهد بیمه بین دو نفر بیمه گر و بیمه گذار اصلی (رئیس سازمان یا طلبکار) که هر دو اهلیت داشته و دارای قصد و رضای صحیح بوده اند واقع شده است حال اگر معامله باطل شود یا صحیح باشد کاری بعقد بودن آن ندارد.

عیوب قصد و رضا رجوع به قسمت (۴) خصوصیات عقد بیمه

دوم - اهلیت - اهلیت بموجب ماده ۲۱ قانون مدنی تصریح شده و طرفین قرارداد بایستی برای اجرای صحیح آن واجد اهلیت باشند.

در مورد بیمه نسبت به بیمه گر که شخص حقوقی است همیشه اهلیت کامل موجود است. در مورد بیمه گذار نیز قانون کافی دانسته است که در ماده ۵ قانون بیمه مقرر دارد:

« بیمه گذار ممکن است اصیل یا نماینده قانونی صاحب مال باشد». بدیهی است که بیمه گذار اصیل و نماینده قانونی یعنی ولی و وصی قیم و وکیل برای انجام معامله و تعهدی خواه ناخواه دارای اهلیت و واجد شرایط کامله خواهند بود همچنین در بند ۳ ماده ۲۳ اشعار میدارد که: « اگر بیمه گذار اهلیت قانونی نداشته باشد رضایت ولی یا قیم او او شرط است» از اینرو بخوبی روشن است که اشخاص فاقد اهلیت میتوانند متعهد باشند. عدم اهلیت. بحث این مطلب به قسمت ۴ رجوع میگردد لکن تذکر این نکته لازم بنظر میرسد که:

عدم اهلیت طرفین قرارداد بضرع وجود باعث بطلان یا عدم نفوذ عمل بیمه میشود و بهیچوجه در عقد بودن بیمه تأثیری نخواهد داشت.

سوم - موضوع بیمه. بر طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی «برای صحت هر معامله چهار شرط لازم است منجمله موضوع معینی که مورد معامله باشد»

ممکن است این ماده را چنین تعبیر کرد «برای اینکه عقد صحیحی بوجود آید چند شرط منجمله موضوع صحیح و روشن لازم است»

اینک چنانچه عقد بیمه موضوع معینی نداشته با ابهامی برای آن متصور گردد از صورت عقد بودن خارج خواهد شد بنابراین باید دید آیا موضوع مشخص و واضح است یا مبهم و نامشخص تا بتوان عقد بودن آنرا ثابت یا مردود نمود.

بحث حقوقی بیمه

استدلال کسانی که در عقد بودن بیمه شک و تردید دارند بیشتر بر سر موضوع آن بوده و چنین است :

اولاً - موضوع بیمه نامعلوم است . ثانیاً موضوع بیمه مبهم است در این مورد با فراتر نهاده (صرف نظر از ماده ۱ قانون بیمه) و حتی با وجود صریح ماده ۱۰ قانون مدنی که میگوید « قرارداد های خصوصی نسبت بکسانی که آنها منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است » نیز بیمه را بعلم نامعلوم و مبهم بودن موضوع جائز و قانونی ندانسته اند .

ثالثاً - تاریخ بیمه نامشخص و در آن مدت را نمیتوان تعیین و محدود کرد و نسبت به این موضوع نیز برای تجویز قرارداد بیمه آنها با صلح منطبق نموده اند تا با این انطباق مجوزی برای آن پیدا کنند (مجله کانون وکلا شماره ۳۹) ولی با این اشکال برخورد شده که نفقه در صلح برای مدت معین و مشخصی است و در بیمه نیست و باین دلیل نیز صدور جواز بیمه طبق ماده ۱۰ قانون مدنی امکان پذیر نشده است .

رابعاً - موضوع بیمه امری احتمالی است . باین معنی که چون در بیمه انواع قراردادهائی وجود دارد که موضوع آن شخص بوده و احتمال ورود خطر به شخص نیز (خواه از نظر اینکه حادثه بر او رخ دهد و یا خرج تحصیل پسر و جهیز دختر ممکن است بعلم فوت متعهدله کان لم یکن شود .) زیاد میباشد از این رو باید آنها در عداد نذر بندی و گرو محسوب داشت و هر چند که انطباق دو قرارداد بیمه و گرو بندی از بسیاری جهات متعذر است ولی در هر صورت احتمالی بودن موضوع بیمه پابرجاست .

اینک قبل از تشریح این مطلب بهتر است ابتدا موضوع بیمه دقیقاً تعیین و دانسته شود زیرا چنانکه بلافاصله در بادی نظر برخورد میکند اگر موضوع بیمه را حادثه تلقی کنیم محققاً بیمه یا اقل انواع کمتری از آن از صورت عقد بودن خارج و ادله یاد شده بالا با وجود ضعف از جهات دیگر تقویت پیدا میکند اما موضوع بیمه چیز دیگری است باین تفصیل :

الف - میدانیم که قانون گذار لاقح هیچوقت نمیتواند و نباید از چهار دیوار قوانین سابق خارج شود و در صورت لزوم یا تبصره برای مستثنیات قائل و یا ماده برای نسخ قانون قبلی وضع میکند . بنابراین قانون گذاران بیمه هیچوقت موضوع آنها حادثه و خطر تصور نکرده اند زیرا میدانستند فی المثل در مورد بیمه وسایل حمل و نقل خاصه در ایران هیچ محاسبه ریاضی و فنی احتمال آنها از بین نمیرد و بالتیجه موضوع آن مبهم و محتمل باقی مانده و عقد نخواهد بود .

از این رو باید قبول کرد که قانون گذار بیمه با در نظر گرفتن شرایط اساسی عقد و اطلاع کامل به مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ (شرایط مورد معامله) قانون مدنی (که بعد از قانون اساسی پایه و مرجع تمام قوانین کشور است) ۳۶ ماده قانون بیمه را که منجمله ۴ ماده اول آن آن بیشتر مربوط به موضوع مانحن فیه است وضع نمود .

ب - میدانیم که معاملات بیمه دارای انواع بسیار متعدده میباشد حال اگر موضوع

بحث حقوقی بیمه

آنها را حادثه و یا خطر فرض کرده و یک یا چند معامله آنها عقد قبول و بقیه را خارج و یا بالعکس همه را عقد قبول و یک یا چند معامله را خارج از عقد بدانیم در این صورت برای قانون گذار هیچ مانعی نبود که با تبصره مستثنیات را ذکر و از حکم کلی خارج کند لیکن در قانون بیمه و مخصوصاً در این مورد تبصره وجود ندارد و لذا باید گفت که قانون گذار موضوع بیمه را خطر یا حادثه ندانسته است.

ج - تقریباً در هیچ یک از عقود و معاملات ذکر صریحی از موضوع عقد بعمل نیامده ولی قانون گذار در آخر ماده ۱ و تمام ماده ۴ قانون بیمه برای جلوگیری از توهم کسانی که حادثه یا خطر را موضوع بیمه فرض میکنند صریحاً موضوعات بیمه را تعیین نموده است از اینقرار :

ماده ۱ « آنچه را که بیمه میشود موضوع بیمه مینامند » و برای دانستن « آنچه را که بیمه میشود » به بند اول ماده مراجعه و معلوم میشود که عبارت خواهد بود از : « جبران خسارت وارده بر بیمه گذار در صورت حادثه » حال خسارت اگر مادی یا معنوی یا جسمی است در هر صورت به مال و مادیات برگشت میکند.

ماده ۴ - موضوع ممکن است : ۱ - مال باشد (عین یا منفعت) ۲ - یا هرق حق مالی ۳ - یا هرنوع مسئولیت حقوقی و همین قسمت اگر دقیقاً بررسی شود حادثه نبودن موضوع بخوبی روشن میشود.

پس دیده میشود که باین صراحت دیگر موضوع بیمه حادثه نخواهد بود. حال اگر بقسمت آخر ماده ۴ که میگوید « همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد... » استفاده کرد و بگویند باین عبارت لااقل یک موضوع بیمه حادثه است جواب داده میشود که :

اولاً این جمله مجزا و خارج از شمار و تعدد موضوعات بیمه است و جمله مستقلی بوده و به آنها ربطی ندارد

ثانیاً اگر در این مورد بکلمه (همچنین) متکی شده و بگویند این جمله مجزا نبوده و مربوط بمقابل است باید گفت در این صورت بدیهی است که اصطلاح « برای حادثه » برگشت بماده ۱ بود و عبارت خواهد بود از : « جبران خسارت بیمه گذار برای وقوع حادثه »

باضافه این جمله آخر ماده ۴ اشاره هم به جهت معامله بیمه دارد .

د - محققاً باید موضوع بیمه چنانکه قبلاً در بند الف ذکر شد با شرایط مورد معامله مذکور در قانون مدنی منطبق بوده و از آنها تخلف ننماید یعنی :

۱ - مال یا عمل قابل تسلیم و ایفا باشد ماده ۲۱۴ قانون مدنی ۲ - مالیت داشته و متضمن منافع عقلائی باشد ماده ۲۱۵ و ۳ - مبهم نباشد ماده ۲۱۶

بدین ترتیب باید گفت که فقط همان موضوعات مذکوره در بند ج بالا است که کاملاً منطبق بوده و بهیچ عنوان از شرایط لازم تخطی نمیکند و لاغیر و حتی اگر به بیمه های عمر و سلامتی و اعضاء بدن و جهیز دختر هم مراجعه شده و آنها را هم موضوع قبول کنیم باز شمول شرایط بالا در آنها صادق است.

در مورد منفعت عقلانی داشتن موضوع صرفنظر از اینکه انسان عاقل و واجد شرایط اهلیت عمل لغو و بیهوده انجام نمیدهد ماده ۴ نیز صریح است که «بیمه گذار نسبت به آنچه بیمه میدهد ذینفع باشد»

در خاتمه این بحث به این نکته هم اشاره میشود که اگر در موضوع بیمه بامو شکافی و تجسس زیاد توانستند موارد ابهامی از بطن معاملات بیمه بیرون کشند در این صورت حواله آنها به قسمت ماده اخیر ماده ۲۱۶ قانون مدنی که میگوید «مورد معامله مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به مال مورد معامله کافی است» اینک به بینیم دلایل طرفداران جائر نبودن و عقد نبودن بیمه چگونه است؟ بنظر نگارنده پاره از دلایل اقامه شده بالا بر پایه محکمی استوار نبوده و بقیه نیز فارغ از بحث وارد نمیشوند بدین شرح:

اولاً و ثانیاً - موضوع بیمه نامعلوم و مبهم نیست زیرا بفرض فقدان عقلا و منطقاً موضوع بیمه عبارت از جبران خسارت در اثر حادثه و یا پرداخت وجه معین در تاریخ مقرر میباشد مثل پس انداز و اصولاً با مراجعه بسوابق و لواحق بیمه موضوع آن غیر از این نیست و نخواهد بود باین معنی:

قدیمی ترین نوع بیمه باربری دریائی است که بیمه گران منفرد قرون ۱۵ با بیمه گران قراردادی تنظیم نموده و در آن بیمه گر پولی از بیمه گذار میگرفت که در صورت بروز حادثه و غرق کشتی و مال التجاره خسارت تاجر را مبلغی که توافق حاصل شده بود جبران نماید. در آن زمان هر چند مسئله شانس و اقبال دخیل بود ولی بهر حال موضوع معامله آنها جبران خسارت بمبلغ معین و بتوافق بیمه بوده است.

اما جدیدترین انواع بیمه ظاهراً عبارتند از بیمه اعضاء بدن انسان و عمر شخص و تأمین خرج تحصیل فرزند و جهیز دختر و از این قبیل در این انواع نیز واضح است بیمه گر در مقابل پول و اقساطی که از بیمه گزار میگیرد باید یا خسارتی را جبران نماید که باز موضوع بیمه جبران خسارت میشود و یا وجه معینی در آخر مدت پردازد اعم از اینکه خسارتی وارد شود یا نشود و در این صورت وقوع بیمه عبارت خواهد بود از پرداخت وجه معین

حال باید دید نامعلوم بودن و ابهام این موضوع بیمه در کجاست؟ جواب این سؤال منفی است چه مقدار خسارتی که بایستی از طرف بیمه گر جبران شود همیشه قبلاً تعیین و بمواقت طرفین میرسد و وجهی را نیز که بیمه گر در مقابل بیمه های دریافتی خواهد پرداخت آنهم مشخص و روشن است

قانون بیمه نیز برای رفع هر گونه ابهام و جلوگیری از نامعلوم بودن موضوع تمام نکات لازم اشاره کرده است و مواد ۳ و ۵ و ۱۰ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ شامل نکات بیمه نامه و موضوعات بیمه و تکلیف بیمه گذار راجع به کتمان و تدلیس و تقصیر و فوت و انتقال و نیز مسئولیت بیمه گر و تعیین قیمت مال و طرز پرداخت خسارت و بیمه باربری و محصول زراعتی و بیمه عمر و اشخاص ذینفع و بالاخره حریق و اشیاء حریق زده که خسارت بآنها تعلق میگیرد میباشد.

بحث حقوقی بیمه

ثالثاً - تاریخ بیمه نا مشخص نبوده و در آن مدت معین و محدود است. عملاً از روز بوجود آمدن بیمه تا کنون و بعد پیوسته مدتی را که بیمه گردمه بیمه گذار را بعهده دارد و همچنین بدهی بیمه گذار نسبت به اقساط و موعده پرداخت آنها و مدت لازم بیمه و روز شروع بین طرفین تعیین میگردد.

در قوانین بیمه موجوده امروزه تمام مشخصات روشن است. قانون بیمه ایران در مواد ۳ (بند ۱ و ۵) و ۱۲ و ۱۷ تاریخ شروع و انتها و مدت و تاریخ شروع حق فسخ بیمه گر و مهلت مدت آن و بالاخره مدت حق فسخ بیمه گر را در فوت بیمه گذار ذکر و باین ترتیب هرابهامی در تاریخ و مدت بیمه را از بین میبرد.

رابعاً - موضوع بیمه احتمالی نیست. زیرا در مورد بیمه اشیاء که مالیت دهنده و متضمن منافع عقلائی هستند بحث و ایرادی نیست.

اما نسبت به بیمه اشخاص که غالباً صحبت از مال نیست ممکن است احتمالی تصور شود مثلاً بیمه اعضاء بدن که اگر زیان دیدند بیمه گر خسارت بپردازد.

باید گفت این بیمه هم مالی است زیرا اعضاء بدن منبع کاروانان خوردن بیمه گذارند که اگر معیوب شوند ادامه زندگی بیمه گذار و معیشت او مشکل میشود باضافه موضوع بموجب آنچه گفته شد اصولاً آن خسارتی است که بیمه گر باید بپردازد و بیمه گذار برای آن حق بیمه میدهد.

مثال دیگر بیمه خرج تحصیل فرزند یا جهیز دختر است که ممکن است فرزند بمیرد یا بیمه عمر که اگر در مدتی فی المثل ۱۰ سال بیمه گذار مرد پول را به ورثه بدهند و اگر نمرد بخودش مسترد دارند. پس در این انواع بیمه که مورد آن شخص هستند احتمال موجود است و تعیین حساب دقیق آن مشکل است.

باید گفت که در جمیع این انواع بیمه احتمال تقریباً صفر است زیرا محاسبات ریاضی و تجربی و فنی احتمال را به یقین تبدیل کرده اند و بیمه گران مجرب بکار خود بیش از تصور آشنا میباشند.

بعلاوه در اینجا نیز ناگزیر به تجدید مبحث میشویم که واقعاً باید دانست در معامله بیمه موضوع آن چیست؟ بنظر ما هر چند در ظاهر امر ممکن است موضوع بیمه عین خانه و اتومبیل و مال التجاره و عضو بدن شخص فلان یا فلان پسر و دختر شخصاً قرار گیرند (مانند عین مبیع در عقد بیع) ولی حقیقتاً باید در نظر گرفت که:

الف) در بیمه اشیاء اگر موضوع عین جنس هم باشد (بیع) و بیمه گر باید آنرا بدهد عیناً مثل آنست که گفته شود موضوع بیمه انجام عمل یا پرداخت پول معینی است پس از اقباض مدت مشخص از طرف بیمه گر

ب) در بیمه اشخاص موضوع بیمه خود عضو بدن یا وجود شخص یا پسر و دختر نمیتواند باشد زیرا آنها قابل خرید و فروش نیستند بلکه ارزش آنهاست که بمادیات تقویم و توافق میشوند (مثل موضوع دیات در شرع اسلام)

چهارم - جهت بیمه. جهت معامله بیمه را باید از نظر بیمه گذار و بیمه گر بررسی نمود. از نظر بیمه گذار جلوگیری از ضررهای احتمالی و تأمین زندگی خود در ایام پیری و از این قبیل میباشد از نظر بیمه گر جهت معامله را باید کاسبی و اعاشه دانست و مخصوصاً بیمه گران منفرد یا شرکتهای خیلی کوچک که بدیهی است از نظر بشر دوستی اقدام بچنین کاری نمیکنند بلکه میخواهند از این راه زندگی کنند. اما اگر بیمه گران شرکتهای بزرگ منصوب از طرف دولت باشند در اینصورت منظور دولت بیشتر حفظ سلامتی مردم و تأمین آنهاست در مقابل خطرات و حوادث احتمالی زیرا بیمه گری که مالی را بیمه میکند قطعاً اقداماتی برای سالم نگاهداشتن آنها بعمل میآورد تا کمتر خسارت بپردازد و از اینرو مردم غیر مستقیم حافظ و نگهبانی دارند. جهت هر معامله بر طبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی احتیاجی به تصریح ندارد ولی اگر مذکور شد باید مشروع باشد.

حال باید دید این مشروعیت در معاملات بیمه حاصل است یا خیر؟

از نظر بیمه گذار همیشه مشروع است زیرا این شخص اصولاً ب فکر حصول منفعتی نمیباشد و حتی اگر در صدد تحصیل آنها باشد محال است نفعی بکند جز آنکه پولی با قسط بپردازد و یکجا بگیرد و این هم محلی برای نامشروع بودن نخواهد داشت.

اما از نظر بیمه گران که تقریباً هیچ وقت ضرر نمیکنند و محققاً همیشه مبلغ نفعی هم دارند قابل بررسی است و برای این منظور وضع معاملات بیمه را در ازمنه قدیم و جدید و ضمناً طرز تحصیل منفعت را در آن مطالعه میکنیم.

الف - مرحله اول. میدانیم که قانون از عرف و عادت و عرف و عادت هم از عمل یک یا چند نفر سرچشمه میگیرد پس اول امری بوجود میآید و بعد اشاعه پیدایی کند و سپس حکومت یا دولت خوب و بد آن را تشخیص و نفع و ضرر حاصله را ملحوظ و بالاخره دستوری مبنی بر اعمال یا جلوگیری از آن صادر مینمایند و در هر صورت قانون برای احتیاج مردم و از روی آنها بوجود میآید.

مسئله بیمه نیز در بادی امر چنین بوده است که یک یا چند شخص ب فکر آن افتادند که پولی از صاحبان امته بگیرند و در صورت بروز حادثه یا خطری بر آن متاع وجهی به عنوان خسارت بپردازند. بدیهی است که این بیمه گران اشخاص بی سروپائی نبودند و گرنه معقول نبود که بیمه گذار پولی به شخص بی ارزشی بدهد و بعد در صورت تلف شدن مالش دستش بچائی بند نباشد.

کم کم هم بیمه گذاران و هم بیمه گران محاسن این کار را تشخیص دادند یعنی اولیها متوجه شدند که اگر کالایشان تلف شود لا اقل چیزی در دست آنها باقی بماند و دومیها هم دیدند که از این راه اگر گاهی ضرر دارند ولی برویهم زندگی خود تأمین میکنند دولت ها نیز رفته رفته اعمال این رویه را از طرف مردم قبول و بتدریج بر آن مقررات و دستورات و امریهها وضع و صادر نمودند و بالاخره قانونش کردند.

حال وضع فوق را از لحاظ جهت معامله مطالعه کرده و می بینیم که بیمه گذار چنانکه گفته شد با کم و بیش تفاوت در بالا و پائین بردن نرخ حق بیمه همیشه بکوضع

بحث حقوقی بیمه

دارد ولی بیمه‌گر بیشتر دستخوش احتمال و تقدیر فرا گرفته و نفع و ضرر او ممکن بود نوسانات زیادی پیدا کند .

زیرا : در آن زمان دولتها متمرکز نبودند . حساب زور و قلدری زیاد بود . راهزنی و قاچاق بحری فراوان و بالاخره بعلت کمی توسعه علم و صنعت و وسایل مسافرتها آماده و مطمئن نبوده از اینرو شانس و اقبال خیلی دخیل و بیمه‌گر در هر حرکت کشتی و مال التجاره چون از نتیجه امر مطمئن نبود محققاً به نذر و نیاز و استغاثه از متوسلین متوسل میشد . از این رو چون جهت معامله و نفع آن برای بیمه‌گر احتمال بود قانون گذاران ناچار آنرا در فصل قراردادهای اتفاقی و یقیناً در باب بخصوصی داخل کردند زیرا با سایر مصادیق این فصل منطبق نبوده و بکلی از آنها متمایز مینمود باینقرار :

(- بیمه قمار نبود چون قمار عقلاً و شرعاً و قانوناً نه فقط نفعی برای هیچیک از طرفین ندارد بلکه همیشه خواه از نظر جسمی و روحی خواه از لحاظ مادی و معنوی ضرر دارد قمار بازی که تن راحت و خیال فارغ بگور برده باشد دیده نشده ولی بیمه نه نامشروع است و نه مضر چه بیمه گذار هیچوقت اگر نفع ندارد ضرر نمیکند و بیمه‌گر هم مطمئن است که من حیث المجموع زندگی خود را بی دغدغه و جدان تأمین کرده و میگذرانند .

(- بیمه گرو بندی نبود چون در گرو بندی هر دو طرف با علم یقینی به آنکه بالاخره یکی خواهد باخت باز بامید نفعی غیر محقق عمل میکنند و با اضافه موضوع آن هم نامعلوم است و حال آنکه در بیمه مراد پیش بینی خطر و جلوگیری از آن است .

(- بیمه از انواع شرط بندی های مجاز مثل اسب دوانی و غیره هم نیست قبلاً باید در نظر گرفت که شرط بندی مجاز مثل اسب دوانی هیچ فرقی با شرط بندی غیر مجاز بر سر یک موضوع متنازع فیه ندارد برای آنکه اولاً این مورد مجاز هم مثل همان مورد غیر مجاز است . و هیچ فرقی نیست که دو نفر با هم شرط بندی کنند که فلان اسب در مسابقه اول میشود یا خیر و یا اینکه همان دو نفر شرط نمایند که آیا همان اسب بچه کسی تعلق دارد؟ پس هیچ دلیلی نیست که قسم اول مجاز و قسم دوم ممنوع باشد . ثانیاً - اگر مراد آن است که در امور ورزشی بدنی مردم ترغیب شوند پس چگونه برای مسابقه دو انسانی و فوتبال و هزاران انواع مسابقات ورزشی دیگر اجازه نیست . ثالثاً - اگر بگوئیم شمشیر بازی . تیراندازی و اسب دوانی از اول تاریخ بشر تا حال بوده و دیگر ورزشها فرعی میباشند اصولاً باید در نظر گرفت که شرط بندی در این مسابقات بین دو اسب سوار و دو شمشیر باز و تیرانداز نیست بلکه همیشه اشخاص خارج (در هر سن و وضع و جنسی که باشند) بر سر مسابقه دهندگان شرط می بندند نه آنکه خود مسابقه دهندگان با هم شرط بندی نمایند .

بنابراین سه نکته خود بخود روشن میشود که بیمه از این انواع نبوده و اگر هم امری اتفاقی باشد از نوع خاصی است .

ب - مرحله دوم زمان اخیر - در قرون اخیر میدانیم که علم و صنعت توسعه پیدا کرده و وسائل کاملتر و بهتری آماده شد و انقلابات جوی و حوادث طبیعی هم قابل

بحث حقوقی بیمه

پیش بینی شده علم ریاضی نیز به نهایت ترقی رسیده و باضافه با وجود انواع مختلفه بیمه نامه‌ها تمام نکات و موضوعات کوچک‌هم قابل بررسی گردیده‌اند باید گفت که حساب احتمالات بحد اقل تقلیل و بلکه بصفر رسیده است بنا براین منطقی که باز بیمه را جزء امور اتفاقی بدانیم.

و در هر صورت حساب بیمه برای بیمه‌گذار همیشه بمنظور حادثه است که اگر رخ دهد خسارتی بگیرد و اگر نداد فهوالمطلوب و برای بیمه‌گر هم با داشتن انواع و اقسام بیمه (مثل زارعی که اگر در یک یا چند قسمت حاصل بر ندارد از مجموع ضرر نمیکند) هیچوقت ضرر متصور نبوده و همیشه نفع است و در این مورد تصور هیچ نوع نامشروعیتی امکان پذیر نیست که قانون‌گذار لازم بداند که به آن اشاره کند.

قسمت سوم - عقد بیمه چه نوع عقدی است ؟

به بینیم عقد بیمه جزء کدامیک از عقود است و قبلاً بگوئیم که بیمه عقد خاصی است که هم داخل در سایر انواع عقود و هم خارج از آنهاست.

اول - بیمه عقد لازم - ماده ۱۸۵ میگوید «عقد لازم آن است که هیچ طرف معامله حق فسخ نداشته مگر در موارد معینه» .

حال بادر نظر گرفتن قاعده اصالة اللزوم و مفاد ماده ۲۱۹ قانون مدنی که با «عقود قانونی بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر برضا اقاله و بعلت قانونی فسخ شود» .

و بالاخره ظواهر مواد قانون بیمه که هیچ کجا تصریحی به اختیار فسخ بیمه‌گذار نکرده و بیمه‌گر هم مستقلاً حق فسخ ندارد باید گفت که عقد بیمه عقد لازم است.

لیکن چنین نبوده و عقد لازم نیست زیرا بیمه‌گذار میتواند همیشه فسخ و یا اقل بدون هیچ ضمانت اجرائی باعث فسخ آن بشود و بیمه‌گر هم در شرایط خاص میتواند آنرا فسخ نماید.

دوم - عقد بیمه جائز است . بر طبق ماده ۱۸۶ «عقد جائز است وقتی طرفین هر وقت بخواهند آنرا فسخ کنند»

در عقد بیمه بیمه‌گر نمیتواند جز در موارد قانونی آنها در اثر عمل بیمه‌گذار آنرا فسخ کند پس جائز نیست .

ولی در اینجا باید گفت که این ادعا صحیح نیست زیرا :

(- از یکطرف چون دایل خاصی از خارج موجود است یعنی قانون‌گذار موارد خاصی را «مواد ۱۷ و ۱۶ و ۱۳ قانون بیمه» برای جواز فسخ بیمه‌گر در نظر گرفته است.

(- از طرف دیگر بیمه‌گذار ممکن است در بیمه‌های بامدت روی قاعده لاضرر تشخیص دهد که ادامه پرداخت اقساط حق بیمه برایش غیر مقدور یا مضر است و ناچار بیمه را منتهی با پرداخت مقداری حق بیمه و تحمل ضرر کم فسخ میکند.

باضافه از مفهوم مخالف ماده ۱۳ :

«نیز اگر خطر یا تغییر وضع در موضوع بیمه حادث شود خواه با تقصیر و یابی تقصیر بیمه‌گذار باشد باید به بیمه‌گر اطلاع داد در این صورت بیمه‌گر با تعیین نرخ جدید

بحث حقوقی بیمه

به بیمه گذار پیشنهاد میکند و اگر او نپذیرفت بیمه را فسخ میکند « کاملاً و بخوبی واضح است که بیمه گذار ممکن است وسایلی برانگیزد و بیمه گر را وادار به فسخ عمل بیمه نماید.

معدالک این استدلال شاید تشبیهی بیش نباشد و چون قانون در مورد جواز صراحت دارد که طرفین هر وقت بخواهند میتوانند فسخ کنند و در این جا بیمه گر جز مواقع معینه نمیتواند فسخ کند پس عقد بیمه جائز نیست.

سوم بیمه عقد جائز یکطرفی است - ماده ۱۸۷ قانون مدنی میگوید «عقد ممکن است نسبت بیکطرف لازم و نسبت به طرف دیگر جائز باشد» مثل رهن ممکن است قبول کرد که عقد بیمه برای بیمه گذار با وسائل یادشده جائز و برای بیمه گر لازم است و بنابراین جائز یکطرفی است.

ولی باز بمنظور ایراد باید گفت که از جواز فسخ بیمه گذار در مواقع دلخواه صریحاً در قانون ذکری نشده.

چهارم - عقد بیمه عقد خیاری است - ماده ۱۸۶ قانون مدنی میگوید عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی یا ثالث اختیار فسخ باشد «

در ظاهر امر چنین بنظر میرسد که عقد بیمه خیاری است چه برای بیمه گر در مواد ۲ و ۱۶ که ذکر شد اختیار فسخ موجود است.

ولی این توهمی بیش نیست زیرا صحیح است که بیمه گر در مواردی حق فسخ دارد اما این اراده بیمه گذار است که قائم مقام اراده بیمه گر شده و باو اجازه حق فسخ میدهد والا چنانچه بیمه گذار هیچوقت عمداً و سهواً تقصیری مرتکب نشود بیمه گر بهیچوجه و در هیچ موردی مستقلاً حق فسخ ندارد مگر پس از فوت بیمه گذار اصلی (ماده ۱۱۷) که در اینحال نیز قضیه ربطی به بیمه اولی و اصلی ندارد.

پنجم - بیمه عقد منجز است یا معلق - چون در مورد بیمه نمیشود قبول کرد که آن موقوف بهیچ امر دیگری نباشد لذا عقد منجز نخواهد بود.

از طرفی چون حصول نتیجه عقد بیمه (در هر حال و اعم از بیمه اشیاء و یا اشخاص) منوط بان است که از طرف بیمه گذار تعهد کاملاً انجام شده باشد و از طرف بیمه گر هم باید یا حادثه اتفاق افتد یا مدت سپری گردد تا خسارت بپردازد پس باید گفت که بیمه عقد معلق است.

ششم - بیمه عقد معوض است یا غیر معوض . باید گفت که بیمه عقدی است در عین حال معوض و غیر معوض چه اگر در بیمه باربری مثلاً حادثه ای اتفاق افتد بیمه گر خسارت بیمه گذار را میپردازد و این خود در حقیقت عوضی است معوض دیگر و عدم تناسب ارزش در عوض هم تأثیری در معوض بودن آن ندارد.

ولی اگر حادثه اتفاق نیفتد در این صورت بیمه گر پولی مجاناً از بیمه گذار دریافت داشته است و باید گفت عقد غیر معوض است.

بحث حقوقی بیمه

با بیان این مطالب معلوم میشود که عقد بیمه تقریباً بهیچ یک از عقود مذکوره شباهت نداشته و در عین حال ارهمه آنها نشانی دارد.

از این رو باید عقد بیمه را چنین تعریف کرد. «عقد بیمه عقدی است معلق جائز یکطرفه که در آن متعهد یا بیمه گذار حق دارد از روی قاعده لاضرر هر وقت بخواهد آنرا فسخ و یا با وسائلی بیمه گر را به فسخ آن برانگیزاند»

قسمت چهارم. خصوصیات حقوقی عقد بیمه

چنانکه میدانیم عقود چهار وضع بیشتر ندارند: صحیح. باطل. قابل نفوذ و قابل فسخ

عقد بیمه چون از جهاتی خاص بوده و تأثیر شرایط عقد در آن یکسان مانند سایر عقود نمیشد و اغلب بطلان و عدم نفوذ آن بعلمی غیر از آنچه که در دیگر عقود حادث میشوند معلوم میگردد از اینرو ناگزیر از تجزیه مباحث شده و این قسمت را از بحث در عقد بودن و شرایط آن خارج ساخته و بشرح زیر مورد مطالعه قرار میدهیم. ضمناً چون همیشه صحت هر عقد منوط به تمام الارکان بودن آنست دیگر احتیاج به بحث صحت عقد بیمه نیست زیرا هر وقت شرایط آن صحیح بودند ناچار خود عقد هم صحیح خواهد بود. بطلان فسخ و عدم نفوذ عقد بیمه - برای پیدا کردن این موارد در عقد بیمه شرایط اساسی عقد را بررسی میکنیم

اول - قصد و رضای طرفین و عناصر مربوط بان:

۱ - قصد - قصد و رضا از آن نظر تجزیه شده است که چون قصد اراده باطنی است همیشه موجود میباشد حتی در صغیر و مجنون. در بیمه نیز طرفین متعاهدین قاصد میباشد اعم از اینکه بیمه گذار مکره و مجبور و بیمه گر هم کلاه بردار باشد.

۲ - رضا - ولی رضا امر ظاهری و معرف قصد است و باید اولاً موجود باشد. ثانیاً صحیح و غیر معلول باشد ثالثاً انشاء شده باشد. رابعاً با قصد موافق و مقارن بوده باشد. در امر بیمه رضا همیشه موجود است بیان هم میشود با قصد هم مقارن است زیرا چنانکه گفته شد و خواهد شد سند معامله بیمه عبارت از بیمه نامه کتبی است بنابراین برای طرفین قصد و رضا هم موجود هم بیان شده و مقارن میباشد. منتها باقی میماند معلول بودن رضا که در آن برای روشن شدن مطلب به مطالعه عوامل علت و یا بعبارۀ بهتر عیوب قصد و رضا میپردازیم.

الف - اشتباه. تأثیر اشتباه در عقد بیمه با سایر عقود متفاوت است و از اینجا مخصوص بودن عقد بیمه نسبت بدیگران روشن میگردد.

اولاً - اشتباهاتی که تأثیری در عقد بیمه ندارند

۱ - اشتباه در نوع عقد. این اشتباه در سایر عقود باعث بطلان است (ماده ۱۹۴ قانون مدنی) ولی در عقد بیمه ظاهراً اثری ندارد مثلاً اگر کسی خانه اش را بجای رهن گذاردن به شرکت بیمه برده و بیمه کند گویانکه این تصور تقریباً ممکن نیست معذک اگر

بحث حقوقی بیمه

اتفاق افتد تأثیری به عقد بیمه ندارد و بیمه گر مطالب تعهد بیمه گذار است و بیمه گذار ممکن است با پرداخت حق الزحمه معامله را فسخ کند.

۲ - اشتباه در موضوع معامله. این اشتباه نیز در سایر عقود باطل است (گرچه ماده ۲۰۰ قانون مدنی آنرا غیر نافذ کرده) در عقد بیمه این اشتباه با وجود بیمه نامه و موشکافی رخ نمیدهد ولی اگر واقع شد تأثیری ندارد جز فسخ با شرایط بالا.

۳ - اشتباه در جهت معامله. در سایر عقود این اشتباه گاهی موجب بطلان گاهی قابلیت نفوذ بوده و زمانی بی اثر میشود و در عقد بیمه با وجود بیمه نامه که جلوگیری از این نوع اشتباهات میکند اگر اتفاق افتاد تأثیری در عقد بیمه ندارد بیمه گر مسئول مراد منظور بیمه گذار نیست و حتی گاهی بیمه گذار که تمام مشخصات ملکی خود و نوع بیمه را نگفته ممکن است جریمه شود.

۴ - اشتباه در طرف معامله. هیچ تأثیری در عقد بیمه وصحت آن ندارد. بیمه گذار بهر بیمه گری مراجعه کند بیمه اش صحیح است.

ثانیاً اشتباهاتی که باعث بطلان یا فسخ بیمه میشود.

اشتباه راجع به اوصاف شیئی و اشتباه راجع به قیمت شیئی

این دو مورد که اولی مربوط به خواص و فوائد شیئی بوده و دومی ممکن است

موضوع غبن را بمیان آورد در مورد معامله بیمه وضع خاصی دارند.

در سایر عقود این دو اشتباه ممکن است اختیار فسخ داده یا اختیار فسخ تولید

کند. ولی در موضوع بیمه گاهی باعث بطلان و زمانی فقط به بیمه گر اجازه فسخ میدهد

باین معنی :

ماده ۱۳ - قانون بیمه میگوید : «اگر خودداری از اظهار مطلب یا اظهارات خلاف

واقع از روی عمد نباشد در صورتی که قبل از بروز حادثه معلوم شود بیمه گر حق فسخ

و یا ابقاء قرارداد را با دریافت اضافه حق بیمه دارد» مقصود از اظهار مطلب و یا اظهار

خلاف واقع در مواد ۱۱ و ۱۲ مذکور عبارت از آن است که بیمه گذار مالی را اضافه بر

قیمت عادلانه ارائه دهد و یا اظهاری بکند که اگر نمیشد موضوع خطر بصورت دیگری

در میآمد.

ماده ۱۸ «اگر معلوم شود خطری که برای آن بیمه شده قبل از عقد واقع شده است

بیمه باطل است»

این مورد را ممکن است به اشتباهات بالا تسری داد باین طریق که شخصی مثلاً

در تهران بود و خانه شیراز خود را بدون اطلاع از سوختن آن به بیمه معرفی و برای حریق

بیمه کرده باشد بدیهی است این عقد باطل است زیرا که این شخص در توصیف و ارزش خانه اش

اشتباه کرده است.

ب - اگر چه چنانکه در قسمت دوم دیده شد فرض اکراه در امر بیمه شاید بهمان

دومورد بیمه کارمندان و کارگران و بیمه مال بدھکار تعلق گیرد.

در این موارد نیز فرض اکراه صادق نیست زیرا اولاً برای آنها بیمه گذار واقعی

شخص دیگری است (قاعدتاً نماینده قانونی) غیر از خودشان و ثانیاً آکراه برای مال یا جان یا آبرو است که در اشخاص مختلف فرق میکند و حال آنکه برای این اشخاص هیچکدام از این ۳ موضوع در معرض خطر نیست. ثالثاً شاید بتوان بجای آکراه اصطلاح التزام یا اجبار را در دو مثال بالا بکاربریم و در این حال بفرض آنکه بیمه گذار واقعی خودشان باشند اجبار آنها در صحت عقد بیمه خللی وارد نخواهد آورد.

غیر از این دو مثال برای اشخاص دیگر نیز آکراه نیست زیرا چنانکه قبلاً گفته شد شخص خود در محضر بیمه حاضر میشود در این صورت قبول آکراه او از خارج مخصوصاً با تشریفات بیمه محملی ندارد. و یا آنکه نماینده و وکیل او این معامله را انجام میدهد که البته سمت رسمی دارد.

باضافه ماده ۶ قانون بیمه میگوید «مال متعلق به بیمه گذار است مگر آنکه در بیمه تصریح شود متعلق بدیگری است»

ج - تدلیس - معنای ساده تدلیس آن است که یکطرف معامله طرف دیگر را در خواص و اوصاف و ارزش شیئی فریب دهد.

اینکه قانون گذار حقوق مدنی تدلیس را در قسمت اختیار وارد ساخته منظورش آن بوده که این امر یکطرفی و همیشه از طرف فروشنده است که به بائع اختیار فسخ میدهد. پس علی الاصول تدلیس «تمام معاملات و بالاخص در معامله بیمه یکطرفی است یعنی فقط بیمه گذار است که میتواند بیمه گر را در مورد ارزش مال و قابلیت حدوث خطر و مدت تقریبی دوام یا فناء آن گول بزند و تدلیس بیمه گر فقط موقعی است که بگویند پول تقلبی بابت جبران خسارت پردازد که آن هم محال و باضافه مسئله دیگری میشود که مربوط به اینجا نیست.

بهر حال تدلیس در قانون مدنی موجب خیار فسخ است ماده و در امور مربوطه به نوع و موضوع و جهت و شخص طرف عقد اگر بجای اشتباه تدلیس بکار رود و محققاً عقد باطل خواهد بود.

اما در امر بیمه تدلیس مطلقاً باعث بطلان عقد بیمه است.

ماده ۱۱ «چنانکه بیمه گذار با قصد تقلب مالی را اضافه بر قیمت عادلانه ارائه دهد عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست»

ماده ۱۲ - «چه هر گاه بیمه گذار عمداً اظهار مطلبی خودداری یا مطالب کاذبه اظهار کند که موضوع خطراً تغییر دهد عقد باطل است حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد...»

قانون گذار بیمه جلوتر رفته و در ماده ۳۴ دستور میدهد «اگر در یک قرارداد موضوعات مختلفی بیمه شده باشد در صورت اثبات تقلب بیمه گذار نسبت بیک موضوع بطلان ب سایر موضوعات هم سرایت دارد چه هر بیمه نامه ولو با داشتن موضوعات مختلفی حکم واحد را دارد»

در بالا گفته شد که تدلیس در امر بیمه مطلقاً موجب بطلان است حال ممکن است ایراد شود که قانون بیمه در ماده ۱۵ مورد فسخ پیش بینی کرده است باین معنی که :

بحث حقوقی بیمه

ماده ۱۶ - « اگر بیمه گذار در نتیجه عمل خود خطری را که بیمه برای آن منعقد شده تشدید کند یا کیفیت و وضعیت را طوری تغییر دهد که اگر بیمه گر قبلاً آنرا میدانست عقد بیمه را جاری نمیساخت در این صورت باید مراتب را به بیمه گر اطلاع دهد و اگر اطلاع نداد بیمه گر حق فسخ دارد » جواب آن است که این تقلب و تدلیس مربوط بزمان بعد از عقد است نه هنگام عقد و هیچگونه تأثیری در صحت عقد فی نفسه که بی شائبه اجرا شده ندارد

دوم - اهلیت طرفین عقد بیمه - اهلیت طرف بیمه گر که در ایران اشخاص حقوقی و واجد شرایط کامله هستند مورد بحث نیست فقط اهلیت بیمه گذار باید مطالعه شود.

هرچند اهلیت بیمه گذار در مواد ۵ - که میگوید « بیمه گذار ممکن است اصیل یا دارای عناوین نمایندگی قانونی..... » و بند ۳ ماده ۲۳ - که میگوید « اگر بیمه گذار اهلیت قانونی نداشت رضایت ولی یا قیم او شرط است » مذکور شده است معذالک چند نکته در مورد آنها قابل ذکر است.

۱ - معامله صغیر (میز یا غیرمیز) و مجنون باطل است « مواد ۵ و ۷ مذکوره بالا » معامله بیمه مجنون ادواری در حال افاقه هیچ اشکالی ندارد.

۲ - سفیه - معنای سفیه در فقه عبارت از صرف مال است در غیر وجوه لایقه با عقل و چون در امر بیمه مراد بیمه گذار همیشه جلوگیری از ضرر است و هیچوقت عمل مضری نمیشود پس قاعدتاً چنین معامله از طرف سفیه خود بخود نافذ است زیرا ضرری در آن نیست و با اضافه ممکن است آنرا از باب اهلیت تمتع دانست.

۳ - ورشکستگی - در مورد ورشکستگی ماده ۴۰ قانون شرکتها آنها را از تصرف در اموالشان از هنگام توقیف ممنوع میدارد و در این صورت اگر بیمه گر ورشکسته شد معامله اش باطل است.

اما در مورد بیمه گذار باز حکم همان است منتهی شاید بتوان گفت که چون در این مورد تقریبی نسبت بمال ورشکسته از طرف او بعمل نیامده و حتی وجود آن مطمئن تر هم شده است اگر چنین معامله ای انجام شود صحیح است. نسبت به استیفاء طلب مواد ۳۲ و ۳۴ قانون بیمه مصرح است که در اولی (اگر بیمه گر ورشکسته شد بیمه گذاران در درجه اول سایر طلبکاران حق تقدم دارند » و در دومی « اگر بیمه گذار ورشکسته شد بیمه گر حق تقدم دارد ولو سند سایرین رسمی باشد » این دستور خود خصوصیت معامله بیمه را نیز نسبت بسایر عقود معین میدارد

۴ - موارد عدم اهلیت های دیگری مثل اعسار مرض موت و غیره موجود است که قابل بحث نبوده و حکم آنها از گفته های بالا استنتاج میشود.

راجع بموضوع و جهت معامله نیز در فصول گذشته به اندازه کافی بحث شده است.

بند ۳ - بیمه عقدی است تشریفاتی. تشریفاتی بودن عقد بیمه خاص است باین معنی که بدون آنکه احتیاج به ثبت رساندن آن باشد خود بخود ثبتی است و تمام کارهای آن کتبی و بیمه نامه ها هم طبق قانون باید کتبی باشد